

بررسی و تحلیل گفتمان آرمان‌شهری پاپلی یزدی در کتاب *شازده حمام* بر مبنای نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه

کیهان سعیدی*
سیداحمد پاراسا**

چکیده

موضوع پژوهش حاضر بررسی و تحلیل گفتمان آرمان‌شهری پاپلی یزدی در کتاب *شازده حمام* بر مبنای نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه است. جامعه آماری پژوهش کتاب پنج‌جلدی *شازده حمام* و حجم نمونه سه جلد اول این کتاب است که جلد اول و دوم آن تاکنون ۳۴ بار و جلد سوم ۱۴ بار تجدید چاپ شده است. دلیل انتخاب این موضوع، گفتمان‌های فرامتنی این اثر است که آن را از آثار مشابه متمایز ساخته است. همچنین، علت انتخاب نظریه یادشده، کارآمد بودن تحلیل گفتمان برای تحلیل اثر نویسنده مذکور است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها براساس تحلیل محتوا و با استفاده از نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه تحلیل شده است. پژوهش حاضر بر مبنای این نظریه به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است: مفصل‌بندی مفاهیم و فرآیند هویت‌یابی گفتمان آرمان‌گرایانه نویسنده و نسبت آن با گفتمان حاکم چگونه است؟ نتایج نشان می‌دهد که براساس این نظریه، گفتمان نوگرای نویسنده در تضاد با گفتمان سنت‌گرای حاکم شکل می‌گیرد و «تجدد و پیشرفت» را به‌منابۀ دال خالی در جایگاه دال مرکزی قرار می‌دهد. همچنین، دال‌های فرهنگ و حقوق زنان را پیرامون دال مرکزی مفصل‌بندی می‌کند و به هر کدام هویت و معنایی تازه می‌بخشد. در پایان، نویسنده انسان‌ها را به‌عنوان عامل و کارگزار ترغیب می‌کند تا برای تحقق جامعه آرمانی خود فعالیت کنند.

کلیدواژه‌ها: *شازده حمام*، پاپلی یزدی، سنت و مدرنیته، گفتمان، لاکلاو و موفه.

* دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، kayhan.saeedi@gmail.com
** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، (نویسنده مسئول)، a.parasa@uok.ac.ir



An Analysis of Papoli Yazdi's Utopian Discourse in *Shazdeh Hamam* Based on the Discursive Theory of Laclau and Mouffe

Keihan Saeedi*

Sayed Ahmad Parsa**

Abstract

The present research is an analysis of Papoli Yazdi's utopian discourse in "Shazdeh Hamam" based on the discursive theory of Laclau and Mouffe. The sample of the study consists of the first three volumes of Papoli Yazdi's five-volume book, *Shazdeh Hamam*, the first and second volumes of which have been reprinted 34 times and the third volume 14 times so far. The reason for choosing this topic is the metatextual discourses of this work, which makes it distinct from similar works. Additionally, the reason for choosing Laclau and Mouffe's theory is its effectiveness for analyzing Papoli Yazdi's discourse. The research method is descriptive-analytical. The data was analyzed based on content analysis and using Laclau and Mouffe's discourse theory. Based on this theory, the present study aims to answer the following question: How is the articulation of concepts and the process of identifying the author's ideelistic discourse and its relationship with the dominant discourse? The results indicate that according to this theory, the author's modernist discourse is formed in contrast to the dominant traditionalist discourse, and places "modernity and progress" as an empty point in place of the nodal point. It also articulates the points of culture and women's rights around the nodal point and gives each one a new identity and meaning. In the end, the author encourages human beings as agents to act for the realization of their ideal society.

Keywords: Shazdeh Hamam, Papoli Yazdi, Tradition and Modernity, Discourse, Laclau and Mouffe.

*M.A. Student in Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran *kayhan.saeedi@gmail.com*

** Professor of Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran (Corresponding Author), *a.parsa@uok.ac.ir*

۱. مقدمه

محمدحسین پاپلی یزدی (۱۳۲۷) در زندگی‌نامه خودنوشت *شازده حمام*، که به بخشی از خاطرات نویسنده در بازه زمانی دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی در شهر یزد مربوط است، به دنبال روایت هر رخداد از حوادث داستان فاصله می‌گیرد و ضمن بیان گفتمان خود، اغلب در جایگاه منتقد و تحلیل‌گر اجتماعی، وضعیت موجود را برمبنای تجربیات و تحصیلات دانشگاهی خود تفسیر می‌کند و در این گفتمان، ضمن نقد و ارائه راهکار، به اصلاح، رفع کاستی‌های موجود، و در نهایت هدایت مخاطب به آرمان‌شهر خود می‌پردازد که این، به اعتقاد هلیدی، همان نقش بینافردی زبان است.

در اینجا گوینده از زبان به‌مثابه ابزاری برای ورود خودش به رویداد گفتاری بهره می‌جوید، برای بیان حرف‌ها، نگرش‌ها و ارزیابی‌هایش و همچنین بیان رابطه‌ای که او بین خود و شنونده‌اش بنا می‌کند، مانند اطلاع‌رسانی، پرسش، احوال‌پرسی، قانع‌سازی، و مانند آن (به نقل از سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

پاپلی یزدی در خاطراتش به گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌های مختلفی پرداخته و آنها را نقد کرده است، اما گفتمان اصلی در این اثر تقابل سنت و مدرنیته است. به‌دیگرسخن، تجدد و تقابل آن با سنت و انتقال جامعه سنتی ایران به جامعه‌ای متجدد، و معایب و مزایای هر کدام از آنها، کلان‌گفتمان برجسته در کتاب *شازده حمام* است؛ زیرا نویسنده در موارد بسیاری، از جامعه‌ای که بر پایه سنت‌های نادرست پایه‌گذاری شده انتقاد و از آن مشروعیت‌زدایی می‌کند و گاهی نیز به ناروایی‌های مدرنیته و صنعتی‌شدن عصر جدید معترض است و میل بازگشت به ارزش‌ها و آرمان‌های ناب بشری دارد. اما در مجموع، آرمان‌شهر نویسنده را باید بیشتر در نوگرایی‌ها جست‌وجو کرد؛ زیرا او خود طرفدار مدرنیته و منتقد زندگی سنتی است. زندگی‌نامه خودنوشت پاپلی یزدی بیان خاطرات صرف نیست، بلکه تحلیل‌های عالمانه و دقیق جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نویسنده است که محصول دانش، تجربه، شخصیت علمی و دانشگاهی، تحصیل و تدریس در دانشگاه‌های معتبر ایران و جهان و سفرهای علمی به نقاط مختلف بوده که این اثر را از آثار مشابه متمایز کرده است. همچنین، نثر شیوای مؤلف/اروی به روایت‌های او جاذبه داستانی بخشیده است، با این تفاوت که داستان، زائیده تخیل نویسنده است، اما کتاب *شازده حمام*، روایتی راستین از زندگی نویسنده و اطرافیانش همراه با

فرامتن‌های پیوسته مؤلف‌راوی است. تمام این موارد، به‌عنوان الگوهای ذهنی، به او کمک می‌کند که با انتقاد از وضعیتی که در آن زیسته، راهکارهایی جهت تغییر پیشنهاد کند. سازده‌حمام‌روایتگر یک جامعه است. سخن از محیطی خشک و بی‌آب‌وعلف است که مردمش در راهروهای عمیق قنات‌ها برای تهیه آب کار می‌کرده‌اند و دائم غم خشک‌سالی و امرار معاش داشته‌اند؛ ستیز با افکار، عقاید و باور مردمی که گاه افراطی و با خرافات درآمیکته است؛ پرداختن به سرنوشت چهره‌های موفق که از میان طبقات محروم جامعه سربرآورده‌اند؛ انعکاس صدای مظلوم‌ترین افراد جامعه که اغلب از فقر رنج می‌کشیده‌اند؛ اشاره به تبعیض‌های جنسیتی، رنگ‌باختن بسیاری از مسائل اخلاقی و به‌تصورکشیدن فقر فکری و فرهنگی مردم باعث شده است که این کتاب را، برخلاف آثاری از این نوع، بتوان از جنبه‌های مختلف، از جمله مطالعات فرهنگی، بررسی کرد. این مسئله برای نسلی که از گذشته و حال‌وهوای آن زمان اطلاع دقیقی ندارند، مهم خواهد بود. این کتاب از دیدگاه‌های جغرافیایی، تاریخی و سیاسی هم قابل تحلیل است، اما هدف این پژوهش بررسی گفتمان حاکم بر فضای نوشتار است تا بتوانیم از راه بررسی فرامتن‌های مؤلف‌راوی گفتمان روایی نویسنده را تحلیل کنیم. نثر روان و قابل فهم، توصیفات ملموس، سبک شیوای نویسنده، استفاده از فرامتن‌های پیوسته، مقایسه وضعیت موجود جامعه آن روز ایران با وضعیت مطلوب، ریشه‌یابی مشکلات و ارائه راهکارها از دلایل گزینش این اثر محسوب می‌شود، دلایلی که آن را از زندگی‌نامه‌های خودنوشت دیگر کاملاً متمایز کرده است و مایه شهرت فراوان آن و استقبال کم‌نظیر خوانندگان شده است. تیراژ و تعدد چاپ‌های این اثر به‌خوبی مؤید این نظر است. در این پژوهش، از میان رویکردها و نظریه‌های تحلیل گفتمان، نظریه گفتمانی ارنستو لاکلاو و شانتال موفه را برای بررسی کتاب سازده‌حمام برگزیده‌ایم. علت انتخاب این نظریه، کارآمدی آن برای تحلیل گفتمانی انتقادات نویسنده کتاب یادشده است؛ زیرا «روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه از نظریه سیاسی-اجتماعی آنان برگرفته شده است و در سطح تحلیل‌های کلان از نظم‌های گفتمانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ابزار بسیار مناسبی برای تحلیل است» (خالق‌پناه و سنایی، ۱۳۹۹: ۶۵). این دو اندیشمند بهتر از دیگران توانسته‌اند نظریه‌ای را که در زبان‌شناسی ریشه دارد به عرصه فرهنگ، اجتماع و سیاست بکشانند. تفاوت اصلی میان شیوه تحلیل در نظریه گفتمان و نظریات زبان‌شناسی آن است که در تحلیل گفتمان، خلاف تحلیل‌های زبان‌شناختی که صرفاً

به عناصر نحوی و لغوی جمله محدود است، عوامل بیرون از متن، مثل بافت موقعیتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. «تحلیل گفتمان به‌عنوان رویکردی زبان‌شناختی از علوم اجتماعی به بررسی چگونگی پیوند آثار ادیبان با محیط اجتماعی و تأثیر این محیط بر روش و اسلوب آنها می‌پردازد» (مشرف و میری‌اصل، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

ضرورت پژوهش در این است که با استفاده از نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه، هویت گفتمان نویسنده در ضدیت با گفتمان حاکم شکل می‌گیرد؛ زیرا هویت موضوعها در تقابل با هم معنا پیدا می‌کند و آنچه به گفتمان هویت می‌بخشد و باعث شکل‌گیری نظام معنایی آن می‌شود، نقطه مقابل آن گفتمان است. با توجه به آنچه گفته شد، مسئله اصلی پژوهش حاضر تبیین مفصل‌بندی مفاهیم و فرآیند هویت‌یابی گفتمان آرمان‌گرایانه نویسنده و نسبت آن با گفتمان حاکم است.

۱.۱. پیشینه پژوهش

نگهبان‌مروی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود به «بازنمایی شرایط گذار از سنت به مدرنیته در کتاب *شازده‌حمام*» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نویسنده در اثر خود بیش‌ازهرچیز به توصیف جامعه سنتی پرداخته است، جامعه‌ای که برخلاف انتظار با گذشت زمان رو به سنتی‌تر شدن است. همچنین، نویسنده با استاد مشاور خود، محسنیان‌راد (۱۳۹۷)، مقاله‌ای را از پایان‌نامه ذکرشده استخراج کرده و آن را با عنوان «بررسی و تحلیل سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در کتاب *شازده‌حمام*» منتشر کرده است.

پناهی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی بر اخلاقیات در کتاب *شازده‌حمام*» به بازنمایی اخلاقیات در کتاب *شازده‌حمام* پرداخته و نشان داده‌اند که ویژگی‌های اخلاقی از قبیل مناعت طبع، احترام به ریش‌سفیدها، مهمان‌نوازی، اخلاق پهلوانی، دوری‌جستن از حسد و ایثار در این روایت به چشم می‌خورد. گفتنی است افراد یادشده مقاله دیگری را هم درباره *شازده‌حمام* با عنوان «بررسی سیمای زن در کتاب *شازده‌حمام*» (۱۳۹۷) منتشر کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که جدا از زنان کنشگر و قهرمانی که با تقدیر خود جنگیده‌اند، اکثر زنان کتاب *شازده‌حمام* پاپلی، زنانی ستم‌دیده و قربانی فرهنگ مردسالار جامعه ایرانی هستند.

کشاوری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به «بررسی و تحلیل ربط و نسبت عدالت اجتماعی و رمان با تأکید بر رمان *شازده حمام*» پرداخته است. نویسنده به مفهوم عدالت اجتماعی در این کتاب می‌پردازد و در آن به مواردی مانند تبعیض جنسیتی اشاره می‌کند.

دیباج و جعفری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به «تحلیل انتقادی مردسالاری در داستان زری سلطان از کتاب *شازده حمام* پاپلی یزدی» پرداخته‌اند و براساس الگوی تحلیلی فرکلاف و دیدگاه جامعه‌شناختی، گفتمان مردسالار را به شیوه‌ای انتقادی بررسی کرده‌اند.

دیباج (۱۳۹۸) در رساله خود با عنوان «گفتمان کاوی انتقادی سفرنامه‌های منتخب ایرانی یک قرن اخیر» به تحلیل ویژگی‌های زبانی، مفاهیم، موضوعات و گفتمان نویسندگان در سفرنامه‌های *خاطرات حاج‌سیاح، شازده حمام، صفیر سیمرغ، و اصفهان نصف جهان* پرداخته و هر کدام از آنها را از منظر رویکرد گفتمان کاوی انتقادی فرکلاف بررسی کرده است. همین نویسنده با همکاری باقری (۱۳۹۸) مقاله‌ای را از رساله ذکرشده برگرفته و آن را با عنوان «نقد تطبیقی سه سفرنامه معاصر ایران در سطح توصیف زبانی از الگوی فرکلاف» منتشر کرده است. گفتنی است دیباج (۱۴۰۰) مقاله دیگری را هم از رساله یادشده اخذ و با عنوان «تحلیل ادبی سفرنامه‌های *خاطرات حاج‌سیاح، شازده حمام، صفیر سیمرغ، و اصفهان نصف جهان*» چاپ کرده است.

دانشیار (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «بازتاب عناصر اجتماعی و فرهنگی در کتاب *شازده حمام*» با هدف دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل بازتاب‌های به‌کاررفته در *شازده حمام* تلاش کرده تصویری منسجم از جامعه یزد در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی به‌دست آورد.

محمودی باشبرات (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «تصویر اقلیت‌های قومی و مذهبی در کتاب *خاطرات شازده حمام*» بر این است تا تصویری از اقلیت‌های قومی کردهای غرب ایران، کردهای شمال خراسان، قشقایی‌ها، ترکمن‌ها، آذری‌ها، بلوچ‌ها و اقلیت‌های مذهبی سنی، شیعه، یهودی و زرتشتی ایران منعکس کند که در *شازده حمام* آمده است.

خضوعی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود، «بازتاب فرهنگ عامه در کتاب *خاطرات شازده حمام*»، به انعکاس فرهنگ عامه در کتاب *شازده حمام* همراه با شواهد و قرائن و تحلیل آن پرداخته است.

بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد، تا تاریخ تدوین پژوهش حاضر، هیچ نوشته‌ای با رویکرد نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه، زندگی‌نامه خودنوشت *سازده حمام* را تحلیل نکرده و پژوهش حاضر اولین کوشش در این زمینه است.

۲.۱. مبانی نظری

کلیدی‌ترین مفهوم نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه، دال مرکزی^۱ است. دال مرکزی به نشانه یا نشانه‌هایی از یک گفتمان اطلاق می‌شود که پیرامون آن دال‌های شناور دیگر ثبات معنایی پیدا می‌کنند و مفصل‌بندی می‌شوند. «مبنای تولید هر گفتمانی تلاش برای مسلط‌ساختن حوزه گفتمان‌گونگی به‌منظور توقف جریان تفاوت‌ها و در نهایت ساخت یک مرکز است. ما نقاط گفتمانی مرجح این تثبیت نسبی را نقطه مرکزی می‌نامیم» (لاکلاو و موفه، ۱۳۹۲: ۱۸۳). عملی که میان دال‌های پراکنده در یک گفتمان ارتباط برقرار می‌کند و به آنها هویت تازه‌ای می‌دهد، مفصل‌بندی نامیده می‌شود. «مفصل‌بندی را به هر کرداری اطلاق می‌کنیم که میان عناصر [مختلف] رابطه‌ای ایجاد می‌کند که طی آن هویت آنها در نتیجه این کردار مفصل‌بندی تغییر می‌کند. کلیتی را که در نتیجه کردار مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان می‌نامیم» (همان، ۱۷۱).

دال شناور دالی است که مدلول آن شناور یا غیرثابت است؛ یعنی مدلول‌های متعددی دارد و گفتمان‌های مختلف برای انتساب مدلول موردنظر خود به آن، با هم رقابت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که دال موردنظر را برایمان معنا می‌کند. «این نشت [کم‌شدن] و اضافه در همه موقعیت‌های گفتمانی وجود دارد» (همان، ۱۸۲). از نظر لاکلاو و موفه، اگر نشانه‌ای درون یک گفتمان جای نگیرد وارد حوزه گفتمان‌گونگی^۲ می‌شود. «حوزه گفتمان‌گونگی [یا میدان گفتمان] هم‌زمان خصلت ضرورتاً گفتمانی هر ابژه [موضوع] و عدم امکان اینکه گفتمانی معین دوخت [شکل] نهایی را موجب شود، تعیین می‌کند» (لاکلاو و موفه، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

دال‌هایی که درون مفصل‌بندی یک گفتمان جای نگرفته و از آن طرد شده‌اند و در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارند، عنصر^۳ نامیده می‌شود. در مقابل عناصر، وقته‌ها^۴ وجود دارد که درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به‌طور موقت به ثبات معنایی رسیده‌اند؛ بنابراین، از این رو به آنها وقته می‌گوییم که ثبات و انسداد در معنای نشانه‌ها دائمی نیست. «هریک از مواضع متفاوت را، تا اندازه‌ای که درون یک گفتمان به هم متصل شده باشند، برهه [که به آن وقته، لحظه و

بعد هم می‌گویند] و هر تفاوتی را که به‌نحوی گفتمانی مفصل نشده باشد، عنصر [یا دال‌های سیال] می‌خوانیم» (همان، ۱۷۱). از نظر لاکلاو و موفه، رویدادهای جهان اجتماعی از دریچهٔ گفتمان تفسیر می‌شود و گفتمان‌ها تنها دریچهٔ شناخت انسان از جهان هستند.

زلزله یا فروافتادن آجر بی‌تردید وجود دارد. به‌این‌معنا که در اینجا و اکنون رخ می‌دهد، مستقل از ارادهٔ من. اما اینکه آیا ویژگی این رخدادها، به‌منزلهٔ ایزه‌های مشخص براساس «پدیده‌هایی طبیعی» یا «جلوه‌هایی از قهر خداوندی» سامان می‌گیرد یا خیر، وابسته به شکل‌گیری حوزه‌ای گفتمانی است (همان، ۱۷۶).

بنابراین، ممکن است یک عمل، واژه یا نماد در گفتمان‌های متفاوت، معانی متفاوت داشته باشد و اساساً واژه‌ها درون گفتمان‌های متضاد بار معنایی پیدا می‌کنند. به‌دیگرسخن، نشانه‌ها فی‌نفسه معنی ندارند، بلکه براساس ترکیب و هم‌نشینی یا در موضعی مبتنی بر تضاد و تقابل با نشانه‌های دیگر، که در نظریهٔ لاکلاو و موفه به‌ترتیب زنجیرهٔ هم‌ارزی^۵ و منطق تفاوت^۶ نامیده می‌شوند، معنا و هویت می‌یابند یا تغییر معنایی می‌دهند. «هویت به‌شکل گفتمانی و به‌وسیلهٔ زنجیره‌های هم‌ارزی بر ساخته می‌شود. در زنجیره‌های هم‌ارزی نشانه‌ها در قالب زنجیره‌هایی در تقابل با زنجیره‌های دیگر [منطق تفاوت] دسته‌بندی و به یکدیگر مرتبط می‌شوند و به این ترتیب تعریف می‌شود که سوژه چه چیزی هست و چه چیزی نیست» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۵: ۸۳).

برای نمونه، واژه «رستگاری» در سرودهای مذهبی فرقهٔ انگلیکان به‌معنای نیل به حیات جاوید از طریق ایمان به مسیح است، اما در مکتوبات مخالفان مذهبی کلیسای انگلیس، به‌معنای آزادی از حاکمیت خودکامه و مستبد آمده است (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۷).

یکی دیگر از اصطلاحات نظریهٔ لاکلاو و موفه، ضدیت^۷ و غیریت^۸ است. گفتمان جدید زمانی ظهور می‌کند که خلأ و کمبود گفتمان پیشین احساس شده باشد. این خلأ را گفتمان جدید به‌منزلهٔ نقطه‌ضعف رقیب برجسته می‌کند تا در تقابلی دوگانه نقاط قوت خود را بهتر نشان دهد و خود را تثبیت کند؛ بنابراین، هویت هر گفتمان در ضدیت، تفاوت، و تقابل با دیگری شکل می‌گیرد. «اگر هر هویتی لزوماً آلوده به غیریت است، به این معنی است که هر صورت گفتمانی برای دلالت به خود باید به چیزی اشاره کند که در شکل بیرونی آن قرار دارد» (لاکلاو، ۱۹۹۰: ۱۳۷).

مفهوم غیریت در ذات خود، با مفاهیم برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی و رقابت میان گفتمان‌ها همراه است. زمانی که گفتمانی بتواند با برجسته‌سازی مدلول‌های موردنظر خود پیرامون دال‌هایش، مدلول‌های دیگر را از دال‌های خود جدا کند و به حاشیه براند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. سلطانی (۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۸) می‌گوید:

هژمونی یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. در صورتی که یک گفتمان موفق شود با اتکا بر دال مرکزی خود مدلول‌های موردنظرش را به دال‌های گفتمانش نزدیک کند، یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خودش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هرچند به‌طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف این نظام معنایی را شالوده‌شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل‌گرفته در ذهنیت جمعی مردم را در هم بریزد، آن‌گاه این گفتمان هژمونی‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی‌شان برای تولید معنا بستگی دارد. از نظر لاکلاو و موفه، هژمونی زمانی حاصل می‌شود که دال خاصی به مدلولش نزدیک شود و اجماع بر سر معنای آن نشانه حاصل شود (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۸).

اسطوره^۹ از دیگر اصطلاحات نظریه لاکلاو و موفه، پیامد بی‌قراری و بحران اجتماعی است. بی‌قراری تزلزلی است که در معنای تثبیت‌شده یک وقته ممکن است رخ دهد.

مفهوم بی‌قراری در نظریه لاکلاو و موفه، اشاره به بحران‌ها و حوادثی دارد که هژمونی گفتمان‌ها را به چالش می‌کشد. اینکه هیچ گفتمانی نمی‌تواند به‌طور کامل تثبیت شود و سلطه خود را برای همیشه حفظ نماید، مرکز ثقل هستی‌شناسی این نظریه است (کسرابی و پوزش‌شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۶).

با بی‌قراری گفتمان حاکم، انسان مبارز مانند سوژگی سیاسی^{۱۰} ظهور می‌کند و در چارچوب مفصل‌بندی گفتمان قرار می‌گیرد تا به‌عنوان یک کارگزار یا عامل دست به فعالیت بزند و با عملکردش سرنوشت خود را دگرگون کند، اما گاهی انسان خود تحت تأثیر موقعیت سوژه‌ای^{۱۱} قرار می‌گیرد و گفتمان حاکم درباره او تصمیم می‌گیرد:

این مفهوم [موقعیت سوژه‌ای] به احاطه گفتمان هژمونیک بر سوژه‌ها اشاره دارد. هنگامی که سوژه در چارچوب یک مفصل‌بندی هژمونیک قرار گرفت، در آن مضمحل می‌گردد و آزادی

عملش محدود می‌شود. در این حالت، این گفتمان است که جایگاه سوژه و الگوی عمل وی را معین می‌نماید؛ چراکه این مسئله لازمهٔ هویت‌بخشی به آن خواهد بود (همان، ۳۵۷).

۲. بحث و بررسی

پژوهش حاضر بر مبنای مؤلفه‌های نظری لاکلاو و موفه تجزیه و تحلیل شده است. بر این اساس، ابتدا به مفصل‌بندی گفتمانی در *سازده‌حمام* پرداخته شده و در ادامه، مطابق دیگر مفاهیم نظری، فرآیند هویت‌یابی گفتمان نویسنده در تضاد با گفتمان حاکم تبیین شده است. در پایان نیز نتایج به‌صورت نمودار در قسمت پیوست نشان داده شده است.

۱.۱.۲. مفصل‌بندی مفاهیم

سازده‌حمام، علاوه بر گفتمان اصلی، خرده‌گفتمان‌های متنوعی نیز دارد که نویسنده پیرامون دال مرکزی «تجدد و پیشرفت» مفصل‌بندی می‌کند و به آنها معنایی گفتمانی می‌دهد. فرهنگ و حقوق زنان از مهم‌ترین مفاهیم آرمان‌شهری هستند که پاپلی یزدی در *سازده‌حمام* ترسیم و حول دال مرکزی مفصل‌بندی کرده است.

۱.۱.۲.۱. دال مرکزی

تجدد و پیشرفت هستهٔ مرکزی گفتمان آرمان‌گرایانه را در کلام و اندیشهٔ نویسندهٔ *سازده‌حمام* تشکیل می‌دهد. مدلول این دال سنت‌شکنی و طرفداری از مدرنیته است و بدیهی است که در جامعهٔ آرمانی همه‌چیز به نهایت مطلوب خود می‌رسد:

وقتی من از یزد به شهری بزرگ‌تر می‌رفتم، خانوادهٔ گسترده در حال فروپاشی بود. در آن سال، فاصلهٔ غنی و فقیر داشت کم می‌شد. قشر متوسطی داشت پیدا می‌شد. کارمندان دولت داشتند اعتبار می‌یافتند. تورم کنترل شده بود... حکومت مرکزی داشت قدرت می‌گرفت. نه آن‌چنان قدرتمند که مردم‌آزار باشد و نه آن‌چنان ضعیف که نتواند امنیت را حفظ کند (پاپلی یزدی، ۱۳۹۷: ۲۰).

در این بند، نویسنده با ایجاد روابط معنایی متضاد میان «گسترده و فروپاشی»، «غنی و فقیر» و «قدرتمند و ضعیف»، جریان تحول جامعه از سنت به مدرنیته را به‌خوبی تصویر کرده است. او تضاد زندگی مردمی را نشان می‌دهد که برخلاف به‌روزشدن ابزار زندگی‌شان، افکار و فرهنگشان همچنان سنتی است و دچار تحول نمی‌شود:

آدم‌هایی در مجلس بودند که در جوانی الاغ سوار می‌شدند، بعد دوچرخه‌سوار شدند، حالا بنز سوار می‌شدند. آدم‌هایی بودند که اشکنه کشک بهترین غذایشان بود، حالا از شیشلیک کمتر نمی‌خوردند. آدم‌هایی بودند که لباس کهنه پدرانشان را کوچک می‌کردند تا آنها بیوشند. حالا پارچه هیلد انگلیسی برایشان کم بود... همه چیز متحول شده بود آلا فرهنگ. حرف زدن و حرف در آوردن و غیبت کردن، تهمت زدن، افترا بستن سرچایش بود. مادیات تحول مثبت یافته بود و معنویات؟ (همان، ۴۷).

این موضوع را می‌توانیم از منظر اسکیزوفرنی فرهنگی تحلیل کنیم؛ اصطلاحی که داریوش شایگان، متفکر معاصر، به معنای چندپارگی فرهنگی وضع کرد. این اصطلاح ناظر بر جوامعی است که دچار التقاط فرهنگی شده‌اند و در دو عرصه هستی حضور دارند. گاهی سنت‌ها را می‌ستایند و گاهی عقب‌ماندگی‌های خود را در سنت جست‌وجو می‌کنند و به مظاهر مدرنیته دل می‌بندند. مثالی دیگر در این زمینه، پایان داستان زری سلطان است که نویسنده با انتقاد از تفکری سنتی، واژگان را در دو قطب مقابل و متضاد هم قرار می‌دهد تا سیر تجدد و مدرن‌شدن را نشان دهد:

۴۰۰۰ سال عمرداشتن یعنی این، یعنی یک‌مشت آدم فقیر، بی‌چیز، بی‌سواد که در محله و خانه‌های بدون آب، بدون سرویس بهداشتی، با مستراح‌های عهد دقیانوس زندگی می‌کردند. آنها مثل موشی که لانه خود را جهان می‌پندارد، با هم می‌لولیدند و برای هم حرف درمی‌آوردند و حاضر نبودند دختر بچه سربه‌راه خود را به دکتر و دوا ببرند. حالا همین آدم‌ها یک پایشان در یزد است و یک پایشان در نیویورک و ماساچوست آمریکا و کمترین آنها برای تفریح به دوبی می‌رود (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۴۴).

با مطالعه *سازده حمام* درمی‌یابیم که حتی راهکارهایی که نویسنده برای وضع موجود ارائه می‌دهد، اغلب مفاهیمی امروزی هستند و در گذشته‌های دور نمود کمتری داشته‌اند. این نشان می‌دهد که نویسنده خود طرفدار نوگرایی و نوآوری است:

بیمه‌های اجتماعی که یکی از بهترین مواهب عصر جدید است، در آن زمان برای کارگران کارخانه‌های بزرگ اعمال می‌شد، ولی برای کارگاه‌ها اعمال نمی‌شد. بیمه و بازنشستگی یک کار اساسی است برای دوران پیری و کوری مردم... من ده‌ها زن کارگر یزدی را می‌شناسم که همه کارگر کارخانه‌های بزرگ بوده‌اند و چون بیمه داشته‌اند و حالا حقوق بازنشستگی دارند، با وجود سن زیاد زنده‌اند (همان، ۳۷).

۲.۱.۲. وقته‌ها

فرهنگ و حقوق زنان از مهم‌ترین دال‌های شناوری است که به‌عنوان وقته پیرامون دال مرکزی مفصل‌بندی می‌شوند و معنایی گفتمانی می‌یابند. نویسنده وقته‌هایی را که در ادامه خواهد آمد، در یک زنجیره هم‌ارزی کنار هم قرار می‌دهد تا هویت هر کدام در مقابل عناصری که وارد حوزه گفتمان‌گونگی شده‌اند آشکار شود.

۱.۲.۱.۲. فرهنگ

سطح سواد فکری و فرهنگی مردم دالی است که نویسنده اغلب با استفاده از تعابیر طنز و واژگان محاوره‌ای سعی دارد آن را به مدلول‌های خود نزدیک کند.

- رفاه عمومی

یکی از آن مدلول‌ها این است که از نظر نویسنده سطح تفکر و فرهنگ مردم زمانی بالا می‌رود و معنا می‌یابد که آنها فقر مادی نداشته باشند؛ زیرا یکی از جنبه‌های فقر فرهنگی در معنایی عام به تقلیل زندگی افراد به زیست مادی و زنده‌ماندن برای بقا اطلاق می‌شود. به‌تعبیر پاپلی یزدی (۱۳۹۷: ۹۶)، «وقتی کمی شکمشان سیر شد، آن وقت شاعر و هنرمند هم می‌شوند. جامعه فقیر و گرسنه شاعر و هنرمند ندارد یا کم دارد؛ چون کسی نیست که برای شعر و هنر ... پول بدهد». از طرفی، ارتباط میان فقر مادی و انحرافات اجتماعی همواره موضوع پژوهش‌های مختلف بوده است.

مادرم، بی‌بی‌هلی، فاطمه‌جان و همه زن‌های محله و بسیاری از مرد‌های محله هم نمی‌فهمیدند که رفیق کریم کی بوده و آرمانی که به‌خاطر آن مرده یعنی چه؟... بعدها که من فهمیدم آرمان یعنی چه، فهمیدم که با بچه‌ها و زن‌های کوچک ما باید به زبان ساده حرف زد. مردم کوچک ما اصلاً مسکو، رفیق، آرمان، حزب، توده و خلق را نمی‌فهمیدند. آنها کلمات نان، آب، کبوتر، گرسنگی و دزدی را بهتر درک می‌کردند (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۳).

بنابراین، مؤلف/اوی با استفاده از فرامتن‌ها به تحلیل وضع موجود می‌پردازد و همین تحلیل گفتمان او را از یک راوی بی‌طرف به یک راوی مفسر و تحلیل‌گر تبدیل کرده است. همین مسئله نیز یکی از بزرگ‌ترین وجوه افتراق این کتاب با آثاری از این نوع است.

- سواد و آگاهی

آنچه باعث تحول فرهنگی در جامعه می‌شود، همیشه رفاه مادی نیست، بلکه در *سازنده حمام* نویسنده از کسانی روایت کرده که بسیار مرفه هم بوده‌اند، اما ناآگاهی سبب شده در فقر فکری و فرهنگی بمانند. برای نمونه، در بخشی از کتاب (همان، ۲۰۲)، نویسنده از شخصیتی به نام حاج‌مندلی نام می‌برد که بازاری ثروتمندی بوده است. کسی که دست‌کم ده مغازه در بازار، املاکی در اردکان، و معاملاتی با شهرهای دیگر داشته است. اما، به‌گفته نویسنده، خانه حاج‌مندلی پول‌دار آب و برق نداشت؛ یعنی خودش منبع آب نمی‌ساخت و برای خانه‌اش برق نمی‌کشید و بچه‌هایش باید آب خوردن را از آب انبار می‌آوردند. اجازه خرید لباس و دوچرخه و... هم نمی‌داد. این وضع ادامه پیدا می‌کند تا وقتی که حاجی می‌میرد و بلافاصله خانواده‌اش برای خانه برق می‌کشند، لباس‌های نو می‌خرند و جایگاه اجتماعی خود را می‌یابند. در پایان، خود نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که این‌گونه بچه‌ها منتظر مرگ بابا نبودند، بلکه منتظر مرگ ظالمی بودند که بر آنها و خودش ستم روا می‌داشت.

آنچه درباره شخصیت حاج‌مندلی ذکر شد، مبین آگاهی، باور و عقاید کنشگران جامعه‌ای است که امثال حاج‌مندلی در آن کم نیستند و اینها نشانه افکار بسته‌ای است که نویسنده سعی دارد تغییرشان دهد. به عبارتی، گفتمان کتاب مستقیماً با سطح آگاهی و درک مردم از دیده‌ها ارتباط دارد. یکی از جلوه‌های ناآگاهی خرافه‌پرستی است که پاپلی بارها از آن انتقاد کرده است. برای نمونه، نویسنده در بخشی از خاطراتش، از حاجی‌حسن‌آقا نام می‌برد که اجازه نمی‌دهد دخترش زهرا را نزد طبیب ببرند تا بچه او را به دنیا بیاورد؛ زیرا معتقد است طبیب نامحرم است و اگر به دخترش دست بزند، تمام نماز و روزه‌های حاجی ضایع می‌شود. زهرا هم اگر عمرش به دنیا باقی باشد، می‌ماند و اگر قسمتش نباشد می‌میرد. حاجی خطاب به شوهر زهرا می‌گوید:

من خیر تو و دختر خودم را می‌خواهم. اصلاً اگر دکتر مرد، زنت را بزائونه، فردا توی بازار می‌توانی کار کنی؟ همه می‌گن معامله با این مرد بی‌غیرت حرامه. والله، در دروازه را می‌شه بست، در دهان این مردم را نمی‌شه بست (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۳۰۹).

بنابراین، سواد مدلول دیگری در گفتمان نویسنده برای تحول فرهنگی است که فقدان آن، یعنی بی‌سوادی، به تأخر فکری و فرهنگی می‌انجامد. موضوعی که در گفتمان سنت‌گرای

موجود به شیوه‌های مختلفی، از جمله رابطه خان‌ها با مردم عشایر، وجود داشته است، اما پاپلی معتقد است مردم آگاه و باسواد را نمی‌توان استعمار کرد و به زور بر آنها حکم راند. او در اینجا از خرده‌گفتمان زورمندی و استبداد سنتی انتقاد می‌کند:

وقتی پای آگاهی و دانایی باز شد شاه نتوانست مردم را کنترل کند. دیکتاتورها فقط بر مردم نادان می‌توانند حکومت کنند. دانایی منشأ تحولات است. آنها که از تحول می‌ترسند، از داناشدن مردم هم می‌ترسند. مردم که دانا شدند، صندلی را از زیر پای دیکتاتور می‌کشند... دیکتاتورها هر وسیله‌ای را که دانایی بیاورد منع و غیرقانونی و هر وسیله‌ای که نادانی و خرافات بیاورد تشویق می‌کنند (پاپلی یزدی، ۱۳۹۷: ۳۴۷).

۲.۲.۱.۲. حقوق زنان

اثر روایی *شازده‌حمام* نمایی واقعی از وضعیت نابسامان زنان را در ایران با نگاهی مردم‌شناسانه نشان می‌دهد.

– تساوی و برابری

نتایج حاصل از بررسی گفتمان فرهنگی کتاب نشان می‌دهد که از دیدگاه نویسنده آنچه به حقوق زنان معنا می‌بخشد، تساوی و برابری است. مدلولی که در گفتمان سنت‌گرای زن‌ستیز جایگاهی نداشت و در تلاش بود تا دال حاضر را به مدلولی دیگر، یعنی تبعیض، نزدیک کند که در جلوه‌های مختلفی مانند ازدواج اجباری، عدم مشارکت اجتماعی و فقر و بهره‌کشی بازتاب می‌یافت. در نقل قول ذیل، نسبت‌دادن صفت «بیچاره» به دخترچه‌ها و تشبیه آنها به «موش» و استفاده از تعبیر غیرهسته‌ای «چپیدن»، که معنای ظلم و فشار را در خود دارد، همه، مبین وضعیت دخترچه‌ها به‌منزله جنس مظلوم جامعه و حمایت و طرفداری نویسنده از زنان است: بیچاره این دخترچه‌ها که در دهات باید در مزرعه کار می‌کردند و در شهر مثل یک موش روزها از صبح سحر تا غروب می‌چپیدند توی کارگاه شعربافی، تا نان خود را درآورند و در ۱۱ سالگی زندگی را کنار یک مرد ۶۰-۷۰ ساله تریاکی می‌گذرانند. تازه وقتی ۱۸-۲۰ ساله می‌شدند شوهرشان می‌مرد و بیوه می‌شدند (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۲۴).

برابری جنسیتی به این معنا است که زن و مرد، هم در خانواده و هم در جامعه، حقوق یکسان دارند و از فرصت‌های مساوی برخوردارند. نویسنده در مثالی دیگر به آزادی زنان معنا می‌بخشد. از دیدگاه او، آزادی خواهان همواره حق خود را خواهند گرفت. برای

مشروعیت‌بخشیدن به این سخن، او از اعتبار ستارخان و باقرخان، دو مبارز آزادی‌خواه، کمک می‌گیرد و همچنین آنجا که از کاندیدای ضدزن نام می‌برد، نظر خود را درباره حضور زن در اجتماع بازگو می‌کند:

روزی در دفتر یک کارشناس ارشد معاونت پژوهشی وزارت علوم بودم... [او] گفت در گروه ما هیچ زنی نیست. ما معتقدیم جای زن در آشپزخانه است... پیش خود گفتم برای معصومه، سکینه و زری که حالا بین ۶۴ تا ۸۰ سال دارند بنویسم تا از یزد به تهران بیایند و تکلیفشان را با این کاندیدای ضدزن روشن کنند... اما همیشه معصومه‌ها، سکینه‌ها و زری‌ها خواهند بود و حق خود را خواهند گرفت و آلا کار این زن‌های بی‌سواد و فقیر کوچک‌پس‌کوچه‌های ۴۵ سال قبل یزد کمتر از کار ستارخان و باقرخان سردار و سالار ملی خدایامرز نیست (همان، ۱۹۴-۱۹۵).

نقل‌قول بالا را می‌توان از منظر اندیشه فمینیسم لیبرال تحلیل کرد. لیبرالیسم یک ایدئولوژی برای آزادی و برابری در آغاز عصر روشنگری بود و با اینکه گسترش حقوق به همه انسان‌ها، فارغ از مسائل مادی و جنسیتی، به ذهن کمتر کسی از لیبرال‌های نخستین خطور می‌کرد، زنان هم ترغیب شدند که اگر انسان‌ها برابری، این اصل می‌تواند آنها را هم دربرگیرد؛ بنابراین، فمینیسم را می‌توان دستاورد لیبرالیسم دانست.

در عصر روشنگری، طبیعی بودن به مرجعی مهم تبدیل شد؛ یعنی دفاع از هر وضعیتی به معنای طبیعی خواندن آن و حمله به هر وضعیتی، غیرطبیعی شمردن آن بود. گفتمان برتر، با پافشاری بر اینکه جسم و روان زن با وظایف او کاملاً هماهنگ است، جایگاه طبیعی زن را در خانه و کار او را پرداختن به همسر و فرزندان می‌دانست (پاک‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

همین موضوع باعث شد نخستین اندیشه‌های فمینیستی در اعتراض به باورهای موجود شکل بگیرد. ژان ژاک روسو (۱۳۹۶: ۳۳۳-۳۳۴)، که خود هدف اعتراض‌های شدیدی قرار گرفت، در کتاب *امیل* می‌گوید: «زن فقط برای خاطر مرد وجود دارد؛ یعنی برای این خلق شده است که پسند او واقع شود و از او متابعت کند... آنهایی که از مساوات زن و مرد طرفداری می‌کنند، درست نمی‌گویند».

با مقایسه اندیشه‌های آغاز عصر روشنگری در غرب و روایت‌های پاپلی یزدی، نتیجه می‌گیریم که هر دو وجه مشترکی دارند: اینکه میان سنت و مدرنیته مانده‌اند. چنان‌که دیدیم، هر دو طرفدار آزادی و برابری هستند، اما همه را از این حق بهره‌مند نمی‌دانند و اتفاقاً بحران معنا از همین‌جا

دید می‌آید که آسیب‌ناپذیر بودن چارچوب فکری حاکم مورد شک قرار گیرد که این در نظریه لاکلاو و موفه «دال خالی»^{۱۲} نام دارد؛ زیرا وجود دال خالی، نشانه ناتوانی گفتمان حاکم در تأمین آن است. همین موضوع بستری برای ایجاد گفتمان‌های جدید فراهم می‌کند که صورت مطلوب‌تری دارند. اینجاست که جامعه وارد مرحله گذار از وضعیت موجود می‌شود.

فقر و فحشا مسئله دیگری است که نویسنده بارها از آن انتقاد می‌کند، موضوعی که نتیجه نظام مردسالار در گفتمان حاکم است. در مثال ذیل، نویسنده به آسیب‌ها و مشکلات زنان عشایر اشاره کرده است، زنانی که باید شب و روز کار کنند یا زنانی که همراه شوهرانشان به حاشیه شهرها پناه می‌برند و در نهایت اسیر فساد و فحشا می‌شوند:

چه باید کرد که آسیب‌دیدگان کم شوند؟ برای زن جوانی که شوهرش ۶ ماه ۶ ماه به شهر می‌رود باید چه فکری کرد؟ برای زن‌های جوانی که تازه به شهر آمده‌اند... زن جوان تنهایی با شوهرش به تهران آمده است. در یک اتاق زاغه‌مانند در جنوب شهر زندگی می‌کند. شوهرش صبح زود بیرون می‌رود، آخر شب خسته و مانده برمی‌گردد. آن زن در زندان است، زندان واقعی (پاپلی یزدی، ۱۳۹۷: ۵۰۱).

۲.۲. ضدیت و غیریت

همان‌طور که در بخش مبانی نظری آمد، هویت هر گفتمان در ضدیت و تقابل با دیگری شکل می‌گیرد. هر چند میان دو مفهوم «خود» و «دیگری» رابطه تضاد و تقابل وجود دارد، از طرفی این دو به هم وابسته‌اند؛ زیرا وجود هر کدام منوط به حضور دیگری است و اساساً آدمی فقط در غیر، هویت، موجودیت، تشابه یا تمایز واقعی خود را می‌یابد.

ما هرگز نمی‌توانیم خود را به صورت یک کل ببینیم. وجود غیر برای آنکه ما حتی به طور موقت، به مفهومی از خویشتن دست یابیم ضروری است، مفهومی که تنها تا حدی در رابطه صرف ما با خود قابل دستیابی است (تودوروف، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

بنابراین، مفهوم هویت، در عین حال که خاصیتی یگانه و منحصر به فرد دارد، مانند دیگر وجودهای مشابهی است که از اجتماع برخاسته‌اند.

۱.۲.۲. تقابل فقر و ثروت

در گفتمان آرمان‌گرایانه سازده‌حمام، تقابل فقر و ثروت «غیر» برجسته‌ای است که در مفهوم جامعه طبقاتی خود را نشان می‌دهد و وجود گفتمان را تهدید می‌کند:

در شروع عصر مدرن وقتی آب لوله‌کشی، وسائل حمل‌ونقل جدید و تلفن و... پیدا شد، ثروتمندان و فقرا و اقشار متوسط هریک در محله‌ای جداگانه ساکن و همسایه یکدیگر شدند. فضای کالبدی شهری نیز با طبقات اجتماعی تطبیق یافت. فضای جغرافیایی جنبه اجتماعی به خود گرفت. وقتی همسایه‌ها همه از یک طبقه اجتماعی یا با درآمدهای نسبتاً مساوی باشند، چرا دیوارهایشان را بلند کنند؟... پس دیوارهای بلند خانه‌های سنتی شهرهای قدیمی بیشتر دیوار جدایی طبقات اجتماعی است تا برای فرار از گرما، سرما و مسائل اقلیمی و محیطی (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۲۵-۱۲۶).

در مثال بالا، دیوار بلند تداعی‌کننده ناامنی هم هست، اما از نظر نویسنده هیچ عاملی میان مردم آرمان‌شهرش نباید فاصله ایجاد کند و مانع امنیت و اعتماد آنان شود.

یکی از ویژگی‌های جوامع سنتی یا در حال توسعه دوقطبی‌بودن است؛ یعنی فقر باعث می‌شود که گروهی از جامعه به‌دلایلی همچون نداشتن شغل و درآمد مناسب به حومه‌های شهر روی بیاورند و زمینه حاشیه‌نشینی را فراهم کنند و ثروت موجب می‌شود که گروهی در مرکز شهر زندگی کنند که از استانداردهای لازم برخوردار است. حتی اگر تعداد ثروتمندان از فقرا بسیار کمتر باشد، باز آنها هستند که قدرت را به‌دست می‌گیرند؛ زیرا از توان مادی بالاتری برخوردارند؛ بنابراین، این گروه، که «خود» را منظم، قانونمند و تابع هنجارهای تعریف‌شده در جامعه می‌دانند، حاشیه‌نشین‌ها را همچون کسانی که با ارزش‌ها، آداب و سنن بیگانه‌اند، بی‌سوادند، بدوی‌اند و باعث آشوب می‌شوند، نسبت به خود، «دیگری» تلقی می‌کنند. آنها از هر امکانی استفاده می‌کنند تا «خود» را تثبیت کنند و مشروعیت را از «دیگری» بگیرند. اینجاست که «دیگری» تهدیدی برای «خود» محسوب می‌شود. در نتیجه استمرار این وضعیت، نوعی هویت خاص در هر کدام از مناطق دوگانه شکل می‌گیرد که با هم متفاوت است. شبیه این دوگانگی را امروزه می‌توان به‌گونه‌ای دیگر دید و آن تقابل روستانشینان با شهرنشینان است. تصور غالب و البته درست این است که شهر نماد جامعه مدرن و روستا نماد اجتماع کوچک‌تر است که سنت‌گرایی در آن زیاد است. اما تمایزهای میان این دو گروه، از جمله قناعت‌پیشگی روستا در مقابل تجمل‌گرایی شهر، کم‌سوادی در مقابل باسوادی، وابستگی به سنت در مقابل استقبال از تغییر و تجدد و مهم‌تر از همه، سادگی و تواضع در مقابل خودبینی، باعث شده که اغلب شهرنشینان (نه همه)، «خود» را (مخصوصاً

به لحاظ فرهنگی) برتر و روشنفکرتر بدانند و روستاییان را «دیگری» قلمداد کنند که در مقابل، معمولاً دو نوع واکنش از سوی روستاییان به همراه دارد: برخی از آنها جایگاه خود را تثبیت می‌کنند، اما گروهی دیگر دچار تهاجم فرهنگی می‌شوند و مثلاً با تغییر لباس یا حتی استفاده از واژگان غیرمحلی، خود را در فرهنگ غالب ادغام می‌کنند. البته، به نظر می‌رسد فرهنگ مفهوم مطلق نیست و در اجتماعات گوناگون، بنابر قراردادی که میان انسان‌ها وضع می‌شود، ارزش‌ها و هنجرهای خاص خود را دارد. شاهد مثال آنچه گفته شد در *شازده‌حمام*، آنجا است که نویسنده به تقابل زندگی عشایری و شهری می‌پردازد. عشایر مردمی هستند که بدون کوچک‌ترین امکانات رفاهی سالیان سال مشغول کارند تا غذا و محصولات شهرنشینان را تأمین کنند، اما جامعه شهری آنان را، در مقابل «خود»، «دیگری» به‌شمار می‌آورد:

این بیچاره‌ها توی این دشت‌ها، کوه‌ها و پرتگاه‌ها جان می‌کنند تا گوشت و شیر و لبنیات تولید کنند. ده رقم استعمار می‌شدند... ولی بیچاره‌ها نمی‌توانستند حق خودشان را از ما شهری‌ها بگیرند. نه بیمه بودند، نه آب لوله‌کشی داشتند، نه برق، نه پزشک، نه معلم، نه سواد. کارشان سیر کردن شکم ما بود، کار ما هم چاپیدن آنها (پاپلی یزدی، ۱۳۹۷: ۲۹۹).

۳.۲. برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی

گفتمان آرمان‌گرایانه نویسنده، با برجسته‌کردن وقته‌ها و بخشیدن معنای تازه‌ای به آنها، دال‌های گفتمان رقیب را از مدلولشان که بر محور سنت‌گرایی و نوستیزی بنا شده بود جدا می‌کند و به‌حاشیه می‌راند. این به‌حاشیه‌رانی در کنار دال مرکزی «خودی»، یعنی تجدد و پیشرفت، مایه‌ای از میان‌رفتن استیلای گفتمان رقیب و سلطه گفتمان آرمان‌گرا می‌شود. پاپلی یزدی با قراردادن دال خالی گفتمان رقیب به‌عنوان هسته مرکزی گفتمان خود توانست نظریه‌های خود را به شبکه‌ای هژمونیک از مفاهیم در دفاع از گفتمانش تبدیل کند؛ مثلاً، استعمار و بهره‌کشی (مدلول) از کودکان (دال) نمونه‌ای از نابرابری‌هایی است که گفتمان رقیب با به‌حاشیه‌راندن گفتمان و اندیشه نوگرا سعی دارد به‌شکل‌های مختلف قدرت و تداوم سلطه خود را به‌وسیله آن حفظ کند، اما نویسنده با هدف تثبیت گفتمان خود و شکستن ثبات معنایی گفتمان رقیب، دال را از مدلول جدا و از این موضوع انتقاد می‌کند. گفتنی است مفهوم قدرت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در گفتمان لاکلاو و موفه است که به‌وسیله برجسته‌سازی نشانه‌ها و ساختار شکنی معنایی گفتمان رقیب ممکن می‌شود:

آخر آن موقع همه مغازه‌های مسگری، سفیدگری، کفاشی، رنگریزی، قالی‌بافی و قسمت پنبه‌پاک‌کنی کارخانه‌ها و غیره با کار همین بچه‌های ده‌دوازده‌ساله می‌چرخید. اگر قرار بود همه بچه‌های محله اعم از فقیر و ثروتمند به مدرسه بروند تمام کارهای کاسبکارها و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی می‌خوابید... ژاندارمری هم قانون عدم به‌کارگیری کودکان زیر ۱۲ سال را نادیده می‌گرفت (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۰۹-۱۱۰).

۴. اسطوره تجدد و نوگرایی تا تصور اجتماعی

پاپلی برای تبدیل تصویر آرمانی به تصور اجتماعی، که مبین خواسته‌ها و نیازهای اقشار مختلف مردم باشد، از فضاسازی استعارای بهره می‌گیرد. به‌عبارتی، او میان واقعیت و تصویر آرمانی خود پیوند ایجاد می‌کند و همین باعث می‌شود اسطوره تغییر و تجدد به‌عنوان دال مرکزی گفتمان آرمان‌گرایانه در میان مردم گسترش یابد و به خواست بیشتر جامعه تبدیل شود. «هنگامی که بشر از بند اسطوره‌ها رست و آرزوهای خود را در پرتو دانش دست‌یافتنی دانست، تصور شهر آرمانی را از دیار اسطوره‌ها به قلمرو خرد آورد» (نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۷). به‌عبارتی، انسان در مواجهه با وضعیت غیرآرمانی، با اسطوره‌سازی سعی دارد کمبودهای زندگی خود را رفع کند.

مثال ذیل نشان می‌دهد که حقوق زنان، به‌مثابه یکی از وقته‌های گفتمان نویسنده، در پرتو اعتراض و مبارزه، با هویت‌یابی حاصل از مفصل‌بندی، حول دال مرکزی به ثبات معنایی نسبی در افکار عمومی دست می‌یابد و به یک تصور اجتماعی تبدیل می‌شود؛ زیرا اسطوره نه‌تنها باید در میان اقشار آرمان‌خواه نفوذ کند، بلکه باید به سطوح عمومی جامعه و لایه‌های زیرین اجتماعی نیز راه یابد تا مطلوب همگان شود:

کم‌کم چندتا زن پیدا شدند که از معصومه دفاع کنند. اولین نفر که جرئت کرد از او دفاع کند سکینه بی‌بی بود... او یک‌شب سر کوچه به زن‌ها می‌توپد که چرا یک‌بار هم شده از معصومه بدبخت دفاع نمی‌کنید. او نمی‌خواهد زن حسین‌آقا بشود... چرا او را با زنجیر خرنزی زدند... این چه بدبختی است که حالا من در سن ۳۵ سالگی باید یک مرد ۷۳ ساله تریاکی را تحمل کنم...؟ این هم شد زندگی؟ (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۸۹).

نویسنده پس از روایت این خاطره، با مضمون حمایت از زنان، از جامعه‌ای که برمبنای سنت‌های غلط پایه‌گذاری شده بود (مانند لزوم مطیع‌بودن زن، ساختن با شرایط و...) انتقاد

و از اقتدار سنت مشروعیت‌زدایی می‌کند؛ یعنی به‌نظر او، اینکه همواره کاری را انجام داده‌ایم یا اینکه اغلب افراد کاری را انجام می‌دهند، دلیل بر درست‌بودن آن نیست (لیوون، ۱۳۹۵: ۲۱۶-۲۱۷). پاپلی در این نوشته، اعتراض زنان را می‌ستاید و کردار اجتماعی آنان را، که گامی در جهت سنت‌ستیزی است، بزرگ می‌شمارد تا مبارزه برای گرفتن حق را برجسته و تسلیم و سازش را طرد کند:

شاید بعد از قرن‌ها در کوچه‌پس‌کوچه‌های ما مسئله خواستن و نخواستن مطرح می‌شد و خواستن بر مطیع‌بودن پیروز می‌شد... در عصری که هیچ‌کس نباید کوچک‌ترین حرفی روی حرف بزرگ‌تر می‌زد... در عصری که زن حق رأی نداشت... در عصری که خود زن‌ها با قبول اطاعت کورکورانه بیشترین ظلم را به خود می‌کردند، کار معصومه و امثال معصومه یک شاهکار بود... به‌خصوص که کم‌کم مسئله از جنبه فردی درمی‌آمد و جنبه اجتماعی به خود می‌گرفت (همان، ۱۹۱).

۵.۲. موقعیت سوژه‌ای و سوژگی سیاسی

داستان زری‌سلطان در *سازده‌حمام* نمونه زن مبارزی است که ابتدا از فقر فرهنگی جامعه‌اش رنج می‌برد و تحت تأثیر موقعیت سوژه‌ای قرار می‌گیرد. زری‌سلطان دختری است که بیماری‌اش با بارداری اشتباه گرفته می‌شود و پس از ماه‌ها شکنجه، بی‌گناهی‌اش ثابت می‌شود. اما زری خود را به‌دست سرنوشتی نمی‌سپارد که جامعه ضد زن، مردسالار و ناآگاه برای او رقم زده بودند، بلکه بعدها پزشک حاذقی در خارج از کشور می‌شود. او نمونه زنی است که با تقدیر غالب جامعه می‌جنگد و به‌مثابه سوژگی سیاسی عمل می‌کند؛ زیرا گفتمان مسلط را به چالش می‌کشد. در این وضعیت، افراد درباره گفتمان تصمیم‌گیری می‌کنند، نه گفتمان‌ها درباره افراد:

چندتا زری با استعداد، قربانی ظلم و ستم نادانان شدند. اگر بی‌بی زینب ۸۰ ساله نبود علی‌رضای ۱۲ ساله و عباس ۱۸ ساله و اهل محله ما بر سر زری چه می‌آوردند؟ من ده‌ها مثل زری با مشکلات متفاوت می‌شناسم که نابود شدند (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۴۳).

پیدااست پاپلی یزدی خود نیز مانند یک سوژه عمل می‌کند و نابسامانی‌های موجود را آشکارا نکوهش می‌کند و مبارزان سنت‌ستیز را می‌ستاید. او همچنین انسان‌ها را تحت عنوان سوژگی سیاسی ترغیب می‌کند تا برای تحقق جامعه‌ای آرمانی دست به فعالیت بزنند که در آن افراد

با تکیه بر مشترکات خود در پی زندگی مسالمت‌آمیزند. نویسندگان در گفتمان زیر با ایجاد منطق هم‌ارزی در مقابل منطق تفاوت، در تلاش است اختلافات موجود میان مردم را پنهان کند و جامعه را یک‌دست نشان دهد. او ویژگی‌های متفاوت مردم (به‌لحاظ مذهبی، نژادی و زبانی) را در یک زنجیره هم‌ارزی قرار می‌دهد تا «خود» ایرانی به ظهور برسد و «دیگری» هر آن چیزی باشد که در مقابل این وحدت قرار می‌گیرد:

بباید روی مشترکاتمان تکیه کنیم. چرا اختلافاتمان را بزرگ می‌کنیم؟ اداره این مملکت چنددینه، چندمذهبه، چندقومی و قبیله‌ای و چندزبانه جز با تساهل و تسامح ممکن نیست. شعار ابوالحسن خرقانی اهر کس در این سرای درآید نانش دهید و از ایمانش نپرسید! و سعدی علیه‌الرحمه و حافظ بزرگوار و صدها عارف وارسته را فراموش نکنیم. این‌کار جز با تمسک به مشترکات و رهاکردن اختلافات و دوری از انحصارطلبی ممکن نیست... (همان، ۲۳۳).

بنابراین، امکان دستیابی به وضعیت مطلوب امری حتمی است، به شرط آنکه انسان‌ها زمینه‌های لازم برای رسیدن به آن را فراهم و به‌قدر توان خود تلاش کنند.

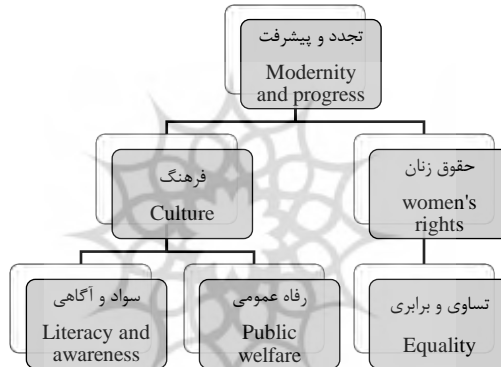
۳. نتیجه‌گیری

فرهنگ و حقوق زنان از مهم‌ترین دال‌هایی هستند که نویسنده پیرامون دال مرکزی «پیشرفت و تجدد» مفصل‌بندی می‌کند. این نشانه‌ها در گفتمان نویسنده و گفتمان رقیب هر یک دارای مدلول‌های متفاوت هستند و گفتمان‌ها سعی در ارائه معانی متفاوتی از نشانه‌های خود دارند. با توجه به نمودار ۱ (پیوست)، در گفتمان *سازده حمام*، رفاه عمومی همراه با آگاهی و سواد، به دال فرهنگ معنا می‌دهد و مایه تحول آن می‌شود. حقوق زنان دال دیگری است که نویسنده آن را در گفتمان رقیب از مدلول خود یعنی تبعیض جدا می‌کند و با مدلول تساوی و برابری به آن هویت تازه‌ای می‌بخشد. همچنین، نمودار ۲ (پیوست) نشان می‌دهد که نویسنده مدلول‌های گفتمان رقیب را از دال خود جدا کرده و آنها را به‌عنوان عناصری که ثبات معنایی خود را از دست داده‌اند، به حوزه گفتمان‌گونگی فرستاده است.

در *سازده حمام* مفهوم تقابل فقر و ثروت یک «غیر» مهم به‌شمار می‌رود و گفتمان نویسنده در ضدیت با آن هویت می‌یابد. گفتمان آرمان‌گرایانه پاپلی یزدی، با برجسته‌کردن وقتهای خود و نقاط ضعف گفتمان رقیب، آن را به‌حاشیه می‌راند و با مسلط‌کردن گفتمان خود، گفتمان رقیب را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. در وضعیت بی‌قراری و بحران

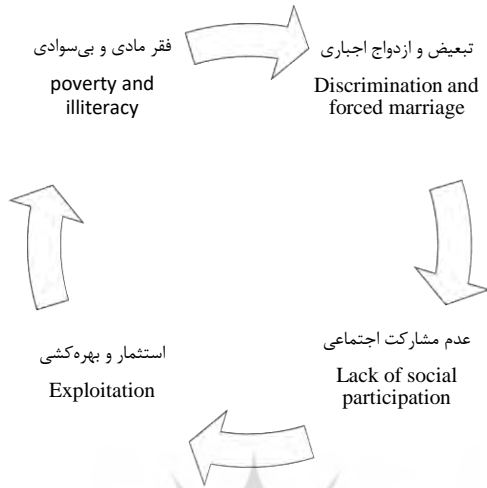
اجتماعی، مفهوم اصلاح و نوگرایی به منزله یک دال خالی با بحران معنا روبه‌رو می‌شود. در چنین وضعیتی، انتقادات و راهکارهای نویسنده در جهت نیل به مدرنیته، برای رهایی از مشکلات موجود جامعه سنتی، به مثابه گفتمانی جدید تولد می‌یابد. او فضایی آرمانی از جامعه ارائه می‌دهد که کم‌کم به تصور و خواست اجتماعی تبدیل می‌شود که در پی آن، نویسنده انسان‌های جامعه خود را در چارچوب مفصل‌بندی گفتمانش قرار می‌دهد تا به‌عنوان سوژگی سیاسی برای تحقق آرمان تجدد و مدرنیته فعالیت کنند و با رهایی از موقعیت سوژه‌ای (سنت)، سرنوشت خود را دگرگون کنند.

پیوست



نمودار ۱. مفصل‌بندی گفتمانی در شازده‌حمام

Chart 1. Discursive articulation in *Shazdeh Hamam*



نمودار ۲. حوزه گفتمان‌گویی (عناصری که از گفتمان نویسنده طرد شده‌اند)

Chart 2. Field of discoursivity (Elements excluded from the author's discourse)

پی‌نوشت

1. Nodal Point
2. Field of Discoursivity
3. Element
4. Moment
5. Chain of Equivalence
6. Logic of Difference
7. Antagonism
8. Otherness
9. Myth
10. Political Subjectivity
11. Subject Positions
12. Empty Signifiers

منابع

- باقری، بهادر، و مزگان دیباج (۱۳۹۸) «تقد تطبیقی سه سفرنامه معاصر ایران در سطح توصیف زبانی از الگوی فرکلانف». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. سال سیزدهم. شماره ۵۲: ۹-۳۵.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۹۷) *سازده حمام*. جلد ۳. چاپ چهاردهم. تهران: گوتنبرگ.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۹۸) *سازده حمام*. جلد ۱ و ۲. چاپ سی و چهارم. تهران: گوتنبرگ.

پاک‌نیا، محبوبه (۱۳۸۹) «لیبرالیسم و فمینیسم لیبرال‌رادیکال: در سده ۱۹». *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*، سال هشتم، شماره ۲: ۱۰۷-۱۲۳.

پناهی، مهین و همکاران (۱۳۹۷الف) «بررسی سیمای زن در کتاب شازده حمام». تهران: کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی: ۶-۱.

پناهی، مهین و همکاران (۱۳۹۷ب) «تأملی بر اخلاقیات در کتاب شازده حمام». تهران: اولین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات: ۱-۷.

تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷) *منطق گفتگویی میخائیل باختین*. ترجمه داریوش کریمی. تهران: مرکز خالق‌پناه، کمال و علی سنایی (۱۳۹۹) «مدرنیته و صورت‌بندی گفتمانی سیاست فرهنگی: تحلیل گفتمان سیاست فرهنگی دولتی در ایران (۱۲۸۵ ش. تا به امروز)». *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال سی‌ویکم (۷۹). شماره ۳: ۵۷-۷۴.

خضوعی، مریم (۱۳۹۹) *بازتاب فرهنگ عامه در کتاب خاطرات شازده‌حمام*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه پیام‌نور.

دانشیار، مرضیه (۱۳۹۸) *بازتاب عناصر اجتماعی و فرهنگی در کتاب شازده‌حمام*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه ولی‌عصر.

دیباچ، مژگان، و طیبه جعفری (۱۳۹۸) «تحلیل انتقادی مردسالاری در داستان زری‌سلطان از کتاب شازده‌حمام پاپلی یزدی». *مطالعات شهریارپژوهی*. سال چهارم، شماره ۲۱: ۲۱۷-۲۴۶.

دیباچ، مژگان (۱۳۹۸) *گفتمان کاوی انتقادی سفرنامه‌های منتخب ایرانی یک قرن اخیر*. رساله دکتری ادبیات فارسی. دانشگاه خوارزمی.

دیباچ، مژگان (۱۴۰۰) «تحلیل ادبی سفرنامه‌های خاطرات حاج‌سیاح؛ شازده‌حمام؛ صغیر سیمرغ؛ اصفهان نصف‌جهان». *مطالعات شهریارپژوهی*. دوره هشتم، شماره ۳۲: ۱۹۱-۴۹۴.

روسو، ژان‌ژاک (۱۳۹۶) *امیل*. ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده. چاپ هشتم. تهران: ناهید. سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۳) «تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش». *علوم سیاسی*. شماره ۲۸: ۱۵۳-۱۸۰.

فنیوون، تئو (۱۳۹۵) «ساخت گفتمانی مشروعیت‌سازی». در: *تحلیل گفتمان سیاسی؛ امر سیاسی به‌مثابه یک برساخت گفتمانی*. گردآوری و ترجمه امیر رضایی‌پناه و سمیه شوکتی‌مقرب. تهران: تیسرا: ۲۱۱-۲۳۰.

کسرای، محمدسالار و علی پوزش‌شیرازی (۱۳۸۸) «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی». *سیاست*. دوره سی‌ونهم، شماره ۳: ۳۳۹-۳۶۰.

کشاورزی، عظیم (۱۳۹۷) «بررسی و تحلیل ربط و نسبت عدالت اجتماعی و رمان با تأکید بر رمان

شازده‌حمام». / اورمزد. شماره ۴۵: ۴-۲۲.

لاکلاو، ارنستو، و شانتال موفه (۱۳۹۲) *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال*. ترجمه محمد رضایی. تهران: ثالث.

محسنیان‌راد، مهدی، و مرضیه نگهبان‌مروی (۱۳۹۷) «بررسی و تحلیل سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در کتاب *شازده‌حمام*». *زبان و ادبیات فارسی*. دوره چهاردهم. شماره ۱۳: ۱۱-۳۰. محمدی، مینو، و همکاران (۱۳۹۹) «آرمان‌شهر سپهری، اعتراض خاموش به سیاست‌های عصر پهلوی دوم». *متن‌پژوهی/ادبی*. دوره بیست و چهارم. شماره ۸۶: ۱۰۳-۱۲۶.

محمودی باشبرات، غزال (۱۳۹۹) تصویر اقلیت‌های قومی و مذهبی در کتاب *خاطرات شازده‌حمام*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه ولی عصر.

مشرف، مریم، و کلثوم میری‌اصل (۱۳۹۸) «تحلیل گفتمانی ادبیات متعهد و اجتماعی با تکیه بر نظرگاه اخوان ثالث». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۵۳: ۱۰۱-۱۳۱.

مکدانیل، دایان (۱۳۸۰) *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسینعلی نودری. تهران: فرهنگ گفتمان. نگهبان‌مروی، مرضیه (۱۳۹۴) *بازنمایی شرایط گذار از سنت به مدرنیته در کتاب شازده‌حمام*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه الزهراء.

یورگنسن، ماریان، و لوئیز فیلیپس (۱۳۹۵) *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. چاپ ششم. تهران: نی.

Laclau, Ernesto (1990) *New Reflections on the Revolution of our Time*. London: Verso.

References in Persian

Bagheri, Bahador & Mozghan Dibaj (2019) "Comparative criticism of three contemporary travelogues of Iran at the level of linguistic description of Fairclough's model", *Comparative Literature Studies*, Year 13. No. 52. Pp: 9-35. [In Persian].

Daneshyar, Marzeyh (2019) Reflection of social and cultural elements in the book of Shazdeh Hamam, Master's Thesis in Persian Literature. Vali-e-Asr University. [In Persian].

Dibaj, Mozghan & Tayyebeh Jafari (2019) "A critical analysis of patriarchy in the store of Zari Sultan from the book of Shazdeh Hamam by Papoli Yazdi", *Journal of Shahryarpazhouhi's Studies*, Year 4. No. 21. Pp: 217-246. [In Persian].

Dibaj, Mozghan (2019) the critical discourse of selected Iranian travelogues of a recent century, PhD Thesis in Persian Literature.

- Kharazmi University. [In Persian].
- Dibaj, Mozghan (2021) "Literary analysis of the travelogues of Haj Sayyah memories, Shazdeh Hamam, Safir-e Simorgh, Esfahan Nesf-e Jahan", *Shahryarpazhouhi's Studies*, Vol. 8. No. 32. Pp: 191-494. [In Persian].
- Jorgensen, Marianne & Louise Phillips (2016) *Discourse Analysis as Theory and Method*. translated by Hadi Jalili. 6th edition. Tehran: Nay. [In Persian].
- Kasraee, Mohammad Salar & Ali Pouzesh Shirazi (2009) "Laclau and Mouffe theory of discourse an effective tool in understanding and explaining political phenomena", *Politics*, Year 39. No. 3. Pp: 339-360. [In Persian].
- Keshavarzi, Azim (2018) "Studying and Analysis the relationship between Social Justice and the novel with emphasis on the Novel of Shazdeh Hamam", *Ourmazd*, No. 45. Pp: 4-22. [In Persian].
- Khalegh Panah, Kamal & Ali Sanaee (2020) "Modernity and the discursive formation of cultural policy: Analysis of the discourse of state cultural policy in Iran. 1285 H. Sh. Up to now", *Applied Sociology*, Year 31(79). No. 3. Pp: 57-74. [In Persian].
- Khozouee, Maryam (2020) Reflection of popular culture in the book of Shazdeh Hamam's memories, Master's Thesis in Persian Literature. Payam-e Noor University. [In Persian].
- Laclau, Ernesto & Chantal Mouffe (2013) *Hegemony and Socialist Strategy towards a Radical Democratic Politics*. translated by Mohammad Rezaee. Tehran: Sales. [In Persian].
- Macdonell, Diane (2001) *an introduction to theories of discourse*. Translated by Hossein Ali Nozari. Tehran: Farhang-e gofteman. [In Persian].
- Mahmoodi Bashbarat, Ghazal (2020) the image of ethnic and religious minorities in the book of Shazdeh Hamam's memories, Master's Thesis in Persian Literature. Vali-e-Asr University. [In Persian].
- Mohammadi, Minou et al (2020) "Sepehri Utopia, silent protest against the policies of the second Pahlavi era", *Literary Text Research*, Year 24. No. 86. Pp: 103-126. [In Persian].
- Mohsenian Rad, Mehdi & Marzieh Negahban Marvi (2018) "Studying and Analysis of tradition, modernity and the conditions of societies in

- transition in the book of Shazdeh Hamam", *Persian Language and Literature*, Vol. 14. No. 13. Pp: 11-30. [In Persian].
- Mosharraf, Maryam & Kolsoum Miri Asl (2019) "Discursive analysis of committed and social literature based on the views of Akhavan Sales", *Persian Language and Literature Research*, No. 53. Pp: 101-131. [In Persian].
- Negahban Marvi, Marzieh (2015) Representation of the conditions of transition from tradition to modernity in the book of Shazdeh Hamam, Master's Thesis in Persian Literature. Alzahra University. [In Persian].
- Paknia, Mahboobeh (2010) "Liberalism and Liberal-Radical Feminism in the 19th Century", *Women's studies Sociological and Psychological*, Year 8. No. 2. Pp: 107-123. [In Persian].
- Panahi, Mahin et al (2018) "Studing the Image of the woman in the book of Shazdeh Hamam", Tehran: *International conference on new research achievements in the humanities and social and cultural studies*. Pp: 1-6. [In Persian].
- Panahi, Mahin et al (2018) "A reflection on ethics in the book of Shazdeh Hamam", Tehran: *The first national conference on basic research in language and literature studies*. Pp: 1-7. [In Persian].
- Papoli Yazdi, Mohammad Hossein (2018) *Shazdeh Hamam*. V.3. 14th edition. Tehran: Gothenburg. [In Persian].
- Papoli Yazdi, Mohammad Hossein (2019) *Shazdeh Hamam*. V.1 & 2. 34th edition. Tehran: Gothenburg. [In Persian].
- Rousseau, Jean Jacques (2017) *Emile*. Translated by Gholam Hossein Zirakzadeh. 8th edition. Tehran: Nahid. [In Persian].
- Soltani, Ali Asghar (2004) "Discourse analysis as theory and method", *Journal of Political Science*, No. 28. Pp: 153-180. [In Persian].
- Todorov, Tzvetan (1998) *Mikhail Bakhtine: The Dialogical Principle*. Translated by Daryoush Karimi. Tehran: Markaz. [In Persian].
- Van Leeuwen, Theo (2016) "Discursive Construction of Legitimacy", *Analysis of Political Discourse; The Political Matter as a Discursive Construction*. Translated by Amir Rezaee Panah & Somayyeh Shokati Mogharrab. Tehran: Tisa. Pp: 211-230. [In Persian].